

محافظه کاری حسابداری و موازنه میان قابلیت اتکاء و مربوط بودن سود حسابداری

دکتر بهمن بنی مهد* حیدر افروزی**

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۸/۰۵

چکیده

این تحقیق اثر محافظه کاری حسابداری بر ویژگی های مربوط بودن و قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری، در ۱۰۳ شرکت از شرکت های بورس اوراق بهادار تهران را برای دوره زمانی هفت ساله ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷ مورد بررسی قرار می دهد. نتایج تحقیق نشان می دهد که محافظه کاری حسابداری با ویژگی قابلیت اتکای اطلاعات رابطه ای مستقیم و با ویژگی مربوط بودن رابطه ای معکوس دارد. همچنین نتایج تحقیق بر وجود رابطه ای معکوس میان مربوط بودن و قابلیت اتکای حکایت دارد. اندازه شرکت با شاخص مربوط بودن و قابلیت اتکای رابطه ای مستقیم دارد. اما نسبت اهرمی که شاخصی از ریسک مالی شرکت را نشان می دهد، با قابلیت اتکای رابطه ای مثبت و با مربوط بودن رابطه ای منفی دارد. نتایج مزبور، بیانگر آن است که محافظه کاری حسابداری نمی تواند میان قابلیت اتکای و مربوط بودن موازنه ایجاد نماید.

واژه های کلیدی: محافظه کاری حسابداری، مربوط بودن و قابلیت اتکا.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، نویسنده اصلی و مسئول مکاتبات.
** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

۱- مقدمه

محافظه کاری در حسابداری سابقه ای طولانی دارد. هیئت استانداردهای حسابداری انگلستان و بین المللی آن را به عنوان ویژگی های کیفی اطلاعات حسابداری قبول دارند. اما هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، محافظه کاری را در چارچوب مفهومی گزارشگری مالی به ویژه به عنوان ویژگی کیفی اطلاعات حسابداری در نظر نگرفته است. استانداردهایی که در سال های اخیر در آمریکا تدوین یافته است، نشان از آن دارد که هیئت استانداردهای حسابداری مالی این کشور، از محافظه کاری فاصله گرفته است. استانداردهای جدید حسابداری در مواردی که امکان پذیر است، بر اندازه گیری و گزارش رویدادها بر مبنای ارزش های متعارف تاکید دارند. به عقیده این هیئت، استفاده از ارزش های متعارف مربوط بودن اطلاعات حسابداری را افزایش می دهد. اما به باور منتقدین، محافظه کاری به دلیل ارتقای قابلیت اتکا صورت های مالی موجب بهبود گزارشگری مالی می شود. همچنین رفتار فرصت طلبانه مدیر در شناسایی سود را خنثی و پرداخت های اضافی به مدیران و سایر گروه ها را محدود می نماید، در نتیجه خالص دارایی ها و سود کمتر نشان داده می شوند. اثرات مزبور، می تواند ارزش شرکت را افزایش دهد (واتز، ۲۰۰۳: ۲۰۸). در این تحقیق سعی بر آن است تا اثر محافظه کاری حسابداری بر تضاد میان ویژگی های کیفی حسابداری بررسی شود. بنابراین پرسش اصلی تحقیق این است که آیا محافظه کاری حسابداری موجب افزایش تضاد میان مربوط بودن حسابداری می شود و یا خیر؟ از این رو تحقیق بطور کلی دو هدف عمده را دارد. هدف اصلی تحقیق بررسی اثر شاخص محافظه کاری حسابداری بر مربوط بودن و قابلیت اتکا اطلاعات حسابداری می باشد. در صورت تحقق این هدف، هدف بعدی آن این است که مدلی بر اساس آن تدوین گردد. پیشنهاد تحقیق، روش تحقیق و یافته های آن در ادامه مقاله آورده می شود.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱- تعریف محافظه کاری

باسو (۱۹۹۷) محافظه کاری را الزام به داشتن درجه بالایی از اثبات و تائید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می کند. این تعریف، محافظه کاری را از دیدگاه سود و زیان توصیف می نماید (باسو، ۱۹۹۷: ۴). اما تعریف دیگر (فلتهام و اولسون ۱۹۹۵)، تعریف محافظه کاری از دیدگاه ترازنامه است. بر اساس این دیدگاه، در مواردی که تردیدی واقعی در انتخاب بین دو یا چند روش گزارشگری وجود دارد، آن روشی باید انتخاب شود که کمترین اثر مطلوب بر حقوق صاحبان سهام را داشته باشد (فلتهام و اولسون، ۱۹۹۵: ۶۸۹). تعریف سوم درباره محافظه کاری (گیولی و هین: ۲۰۰۰) بر پایه دیدگاه ترکیبی ترازنامه و سود و زیان است. در دیدگاه سوم، محافظه کاری، یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریع تر هزینه، ارزیابی پایین دارایی و ارزیابی بالای بدهی می شود (گی ولی و هین، ۲۰۰۰: ۲۹۲). در این تحقیق از تعریف سوم برای محاسبه شاخص محافظه کاری استفاده شده است. دسته بندی دیگری برای تعریف محافظه کاری از سوی رایان (۲۰۰۶) ارائه شده است که عبارت است از محافظه کاری شرطی^۱ و محافظه کاری غیر شرطی^۲.

محافظه کاری شرطی، محافظه کاری است که توسط استانداردهای حسابداری الزام شده است. یعنی شناخت به موقع زیان در صورت وجود اخبار بد و نامطلوب و عدم شناخت سود در مواقع وجود اخبار خوب و مطلوب. مثلاً کاربرد قاعده اقل بهای تمام شده یا خالص ارزش فروش در ارزیابی موجودی کالا، نوعی محافظه کاری شرطی است. به این نوع محافظه کاری، محافظه کاری سود و زیان و یا محافظه کاری گذشته نگر نیز می گویند. اما محافظه کاری غیر شرطی از طریق استانداردهای پذیرفته شده

1. Conditional Conservatism
2. Unconditional Conservatism

حسابداری، الزام نگردیده است. این نوع محافظه کاری، کمتر از واقع نشان دادن ارزش دفتری خالص دارایی ها به واسطه رویه های از پیش تعیین شده حسابداری است. محافظه کاری مذکور، به محافظه کاری ترازنامه و یا محافظه کاری آینده نگر نیز معروف است (ریان، ۲۰۰۶: ۵۱۳).

۲-۲- تعریف قابلیت اتکای اطلاعات

اطلاعاتی قابل اتکاست که عاری از اشتباه و تمایلات جانبدارانه با اهمیت باشد و به طور صادقانه معرف آن چیزی باشد که مدعی بیان آن است یا به گونه ای معقول انتظار می رود، بیان کند. بیان صادقانه، رجحان محتوا بر شکل، بی طرفی، احتیاط و کامل بودن ویژگی های لازم برای قابل اتکا بودن است (کمیته تدوین استاندارد های حسابداری، ۱۳۸۷: ۶۸۰).

۳-۲- تعریف مربوط بودن اطلاعات

اطلاعاتی مربوط تلقی می شود که بر تصمیمات اقتصادی استفاده کنندگان در ارزیابی رویدادهای گذشته، حال یا آینده یا تایید یا تصحیح ارزیابی های گذشته آن ها موثر واقع شود. انتخاب خاصه و ارزش تایید کنندگی و پیش بینی کنندگی از ویژگی های اطلاعات مربوط می باشد (همان منبع: ۶۷۹).

۴-۲- پیشینه تحقیق

هوانگ و جا در یک دوره زمانی ۳۳ ساله از سال ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۵ از شرکت های آمریکایی نشان دادند که محافظه کاری حسابداری می تواند تضاد میان مربوط بودن و قابلیت اتکای اطلاعات را کاهش دهد و در واقع میان آن ها تعادل ایجاد نماید (هوانگ و جا، ۲۰۰۹: ص ۱۲).

باسو در تخمین شاخص محافظه کاری، رابطه بین عایدات و بازده سهام را از طریق رگرسیون بررسی نمود. او دریافت در شرکت هایی که بازده سهام آنها منفی است،

محافظه کاری حسابداری و موازنه میان قابلیت اتکاء و مربوط بودن سود حسابداری ۵۱

بازده سهام همبستگی بیشتری با عایدات دارد تا در شرکت هایی که بازده سهام آنها مثبت است. باسو دریافت در دوره هایی که دعاوی قضایی در آمریکا افزایش یافته، محافظه کاری نیز افزایش یافته است (باسو، ۱۹۹۷: ۵).

نتایج تحقیق پنمن و ژانگ نشان می دهد که رویه های محافظه کارانه حسابداری به هزینه بردن مخارج سرمایه ای را تسریع می بخشد، این موضوع می تواند موجب کاهش سود و ایجاد ذخایر مخفی شود. در نتیجه کیفیت سود به واسطه محافظه کاری کاهش می یابد (پنمن و ژانگ، ۲۰۰۲: ۲۳۸). واتز و زیمرمن معتقدند که شرکت هایی که با هزینه های سیاسی بالا مواجه هستند، تمایل زیادی به استفاده از رویه های محافظه کارانه حسابداری دارند (واتز و زیمرمن، ۱۹۷۸: ۲۵۲). در تایید عقیده آن ها احمد و همکاران، نشان دادند که شرکت های بزرگ، از روش های حسابداری محافظه کارانه بیشتری نسبت به سایر شرکت ها استفاده می کنند. همچنین نتایج تحقیق آنها نشان داد که اگر تضاد منافع میان وام دهندگان و سهامداران در تقسیم سود وجود داشته باشد، در آن صورت مدیران شرکت های وام گیرنده، احتمالاً اشتیاق بیشتری به استفاده از رویه های محافظه کارانه حسابداری دارند (احمد و همکاران، ۲۰۰۲: ۸۶۹).

واتز معتقد است اگر قراردادهای شرکت با گروه های مختلف مانند سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان بر اساس ارقام حسابداری تنظیم شود، آنگاه به علت وجود تضاد منافع میان مدیران و آن گروه ها، مدیران شرکت ها سعی خواهند کرد تا با انجام رفتار های جانبدارانه، آن ارقام را به نفع خود دستکاری نماید. مثلاً سود و یا دارایی ها را افزایش و بدهی ها را کاهش می دهند. در این میان، محافظه کاری به عنوان یک مکانیزم قراردادی موثر از طریق به تأخیر انداختن شناخت سود و دارایی و شناخت به موقع زیان و بدهی، رفتار جانبدارانه مدیر را خنثی می کند (واتز، ۲۰۰۳: ۲۱۹).

احمد و دلمن در تحقیق دیگری نتیجه می گیرند، محافظه کاری حسابداری مانع سرمایه گذاری مدیران در پروژه هایی با بازده منفی می شود. همچنین او در می یابد که رابطه مستقیمی بین درصد سهام متعلق به اعضای هیئت مدیره و محافظه کاری وجود

دارد (احمد و دلمن، ۲۰۰۸: ۲).

بال و همکاران طی تحقیقی به این نتیجه می‌رسند، در کشورهایی که قوانین آنان براساس عرف جامعه تعیین می‌شود (مانند آمریکا، استرالیا، انگلستان و کانادا)، استفاده از ارقام منتشر شده صورت های مالی در قراردادها باعث شده است که ارقام سود، بسیار محافظه کارانه محاسبه شود تا نسبت به کشورهایی که فاقد قوانین عرفی (مانند فرانسه، آلمان و ژاپن) هستند (بال و همکاران، ۲۰۰۰: ۳).

نتایج تحقیق قوانین نشان داد که محافظه کاری شرطی و غیر شرطی نقش های متفاوتی در هر یک از تفاسیر محافظه کاری بازی می‌کنند. تفسیر قراردادی منجر به محافظه کاری شرطی و تفسیر دعاوی حقوقی منجر به هر دو شکل محافظه کاری شرطی و غیر شرطی می‌شود. سایر تفاسیر نیز منجر به محافظه کاری غیر شرطی می‌گردند. او همچنین دریافت که با افزایش محافظه کاری غیر شرطی، محافظه کاری شرطی کاهش می‌یابد بنابراین لازم است تا نوعی تعادل میان آنها ایجاد گردد (قوانینگ ۲۰۰۷: ۷۶۰).

بتی و همکاران دریافتند که تقاضا برای محافظه کاری از سوی وام دهندگان در مقاطع زمانی مختلف یکسان نیست. در مواردی که هزینه های کارگزاری و هزینه های دعاوی حقوقی بالا است، تقاضا برای محافظه کاری وجود دارد (بتی و همکاران، ۲۰۰۸: ۲).

گارسیا و مورا، میزان محافظه کاری در کشورهای اروپایی را مورد بررسی قرار دادند. آنها برای اندازه گیری محافظه کاری ترازنامه، از مدل اولسون (۱۹۹۵) و برای اندازه گیری محافظه کاری سود و زیان، از مدل باسو (۱۹۹۷) استفاده کرده بودند. آنها دریافتند که هر دو نوع محافظه کاری ترازنامه و محافظه کاری سود و زیان، در همه کشورها وجود دارد. اما محافظه کاری ترازنامه بیشتر از محافظه کاری سود و زیان می‌باشد و علت آن نیز کاهش محافظه کاری سود و زیان است. محافظه کاری سود و زیان در انگلستان بیشتر از سایر کشورها است (گارسیا و مورا، ۲۰۰۴: ۲۶۲).

گارسیا و همکاران به رابطه ای معکوس بین محافظه کاری و هزینه حقوق صاحبان سهام دست یافتند. آنها دریافتند که محافظه کاری، ریسک شرکت و در نتیجه هزینه

محافظه کاری حسابداری و موازنه میان قابلیت اتکاء و مربوط بودن سود حسابداری ۵۳

حقوق صاحبان سهام را کاهش می دهد. نتایج تحقیق آنها نشان داد که مدل های قبلی اندازه گیری محافظه کاری حسابداری، که رابطه میان محافظه کاری و هزینه سرمایه را بررسی می نمودند، هر چند از نظر تئوری صحیح هستند، اما خطاهایی نیز دارند (گارسیا و همکاران، ۲۰۰۶: ۲).

لافوند و واتز دریافتند که میان محافظه کاری حسابداری و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه وجود دارد. تغییر در عدم تقارن اطلاعاتی میان سرمایه گذاران منجر به تغییر در محافظه کاری می شود. این موضوع نظر هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا مبنی بر اینکه محافظه کاری موجب عدم تقارن اطلاعاتی می شود را نقض می نماید (لافوند و واتز، ۲۰۰۸: ۴۴۸).

گی ولی و همکاران اشاره دارند که برای محاسبه شاخص محافظه کاری، هم زمان باید از مدل های مختلف استفاده نمود. آنها در پژوهش خود نشان دادند که نتایج مدل باسو با سایر مدل ها متفاوت است و با توجه به این که محیط گزارشگری از نظر نوع صنعت، کشور و دوره زمانی متفاوت است؛ باید هم زمان از مدل های متفاوت استفاده نمود (گی ولی و همکاران، ۲۰۰۷: ۶۶).

نیکلاف رابطه بین محافظه کاری حسابداری و محدودیت های قراردادهای بدهی را مورد بررسی قرار داد. او دریافت که هرچه محدودیت های قرارداد بدهی افزایش یابد، محافظه کاری نیز افزایش می یابد (نیکلاف، ۲۰۰۸: ۲).

بنی مهد (۱۳۸۵) بر اساس اطلاعات یک دوره یازده ساله (۱۳۷۳ تا ۱۳۸۳) از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، عوامل مؤثر بر محافظه کاری حسابداری را تعیین و مدلی را برای اندازه گیری آن پیشنهاد داد. نتایج تحقیق او نشان داد که محافظه کاری حسابداری و شاخص سودآوری (بازده دارایی ها) در ایران طی دوره تحقیق به طور هم زمان کاهش یافته است. اندازه شرکت ها و مالیات بر محافظه کاری حسابداری اثری نداشته و محافظه کاری حسابداری نمی تواند به عنوان یک مکانیزم قراردادی کارآمد برای کاهش تعارض های تقسیم سود بین سهامداران و

اعتباردهندگان محسوب گردد (بنی مهد، ۱۳۸۵: ۱).

نتایج تحقیق ادهم نشان داد که بین محافظه کاری و شاخص کیفیت سود رابطه ای مستقیم وجود دارد. یعنی هرچه شرکت ها در شناسایی عایدات و هزینه ها، رویه های محافظه کارانه را اتخاذ نمایند؛ سود گزارش شده دارای کیفیت بالاتری از نظر نزدیکی به وجه نقد خواهد بود. اما میان محافظه کاری و بازده سهام رابطه معنی داری وجود ندارد. بدین معنی که بازده سهام، تحت تأثیر روش های محافظه کارانه قرار نمی گیرد (ادهم، ۱۳۸۶: ۱).

کردستانی و امیر بیگی رابطه بین عدم تقارن زمانی سود و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام را مورد بررسی قرار دادند. آن ها در این تحقیق دریافتند که بین عدم تقارن زمانی سود و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام، رابطه ای منفی اما معنی دار وجود دارد و هر چه دوره برآورد معیار عدم تقارن زمانی سود طولانی تر شود، این رابطه نیز منفی تر می شود (کردستانی و امیر بیگی، ۱۳۸۷: ۸۹). در تحقیق دیگر، رضا زاده و آزاد رابطه بین محافظه کاری حسابداری و عدم تقارن اطلاعاتی را طی دوره ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنها حاکی از وجود رابطه مثبت و معنی دار میان عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران و محافظه کاری حسابداری است. همچنین طبق نتیجه گیری آن ها، تغییر در عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران موجب تغییر در سطح محافظه کاری می شود (رضا زاده و آزاد، ۱۳۸۷: ۶۳). در دو تحقیق اخیر برای سنجش محافظه کاری حسابداری از مدل باسو (۱۹۹۷) استفاده شده است. مدل مذکور به صورت مدل ۱ است:

$$NI = b_0 + b_1 RD + b_2 R + b_3 R.RD \quad (1)$$

که در آن:

NI = نسبت بازده به عایدات که برابر است با عایدات (E) تقسیم بر قیمت سهام در آغاز دوره مالی

محافظه کاری حسابداری و موازنه میان قابلیت اتکاء و مربوط بودن سود حسابداری ۵۵

R = بازده سهام در طول سال مالی که از طریق تغییر در قیمت بازار اندازه گیری می شود.

RD = یک متغیر مجازی است. وقتی که $R < 0$ است، مقدار آن برابر ۱ خواهد بود. همچنین هنگامی که $R \geq 0$ باشد، مقدار آن صفر است. هرگاه بازده سهام منفی باشد، فرض می شود که آن، اخبار بد درباره آینده را منعکس می نماید. بنابراین این متغیر مجازی، زمانی که بازده سهام اخبار بد درباره آینده را پیش بینی نمی کند، مقدار صفر را به خود می گیرد و در غیر این صورت مقدار آن یک خواهد بود؛ به عبارت دیگر وقتی که R نتواند اخبار بد آینده را پیش بینی کند، یعنی در صورت فقدان محافظه کاری مقدار آن صفر خواهد بود.

ضریب b_2 = رابطه بین عایدات (سود حاصل از عملیات مستمر) و بازده سهام را نشان می دهد.

b_3 = هنگامی که عایدات و نیز بازده سهام عملکرد بد آتی را پیش بینی می کند، این ضریب شدت رابطه بین عایدات و بازده سهام را نشان می دهد. این ضریب همان معیار باسو درباره اندازه گیری محافظه کاری سود است. چون سود اساساً عملکرد بد پیش بینی شده در آینده را منعکس می کند. برآورد b_3 در مدل باسو در حدود ۰/۱۶ است (باسو، ۱۹۹۷: ۳۰).

تحقیقات مختلف نشان داده اند که مدل باسو دارای ایراداتی به شرح زیر است:

- مدل باسو در مورد شرکت هایی که برای آن ها بازده سهام وجود ندارد، نظیر شرکت های پذیرفته نشده در بورس کاربردی ندارد (ریان، ۲۰۰۶: ۵۱۹).
- محافظه کاری نهفته در ترازنامه را نشان نمی دهد (ریان، ۲۰۰۶: ۵۱۹).
- در تحقیق گی ولی و همکاران معیار محاسبه شده برای محافظه کاری براساس مدل باسو با معیار محاسبه شده توسط سایر مدل ها همبستگی منفی و غیرمستقیم دارد. بین نتایج تحقیقات با استفاده از مدل باسو با سایر مدل ها تضاد زیادی وجود دارد (گی ولی و همکاران، ۲۰۰۷: ۹۹).

- در برخی تحقیقات نشان داده شده است، در نمونه هایی که محافظه کاری بالاست مدل باسو میزان محافظه کاری را پائین نشان می دهد و برعکس (احمد، ۲۰۰۲: ۸۷).

- از بازده سهام برای تفکیک نمونه شرکت ها به دو گروه دارای اخبار خوب و دارای اخبار بد استفاده می شود. بازده منفی شاخصی برای اخبار بد و بازده مثبت، شاخصی برای اخبار خوب است. براساس فرضیه بازار کارآمد قیمت های سهام به طور کارآمد منعکس کننده اطلاعات مربوط درباره یک شرکت است. قیمت های سهام منعکس کننده اطلاعات دریافت شده از سایر منابع نیز است، یعنی منابع ای غیر از سود حسابداری (ریان، ۲۰۰۶: ۵۱۹). یکی از تفاوت های این تحقیق با سایر تحقیقات داخلی، عدم استفاده از مدل باسو برای اندازه گیری محافظه کاری حسابداری است.

۳- روش تحقیق

متغیر وابسته در تحقیق حاضر، شاخص مربوط بودن و شاخص قابلیت اتکا است. اما متغیرهای مستقلی که اثر آنها بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار می گیرد، عبارتند از: شاخص محافظه کاری، نسبت اهرمی و اندازه شرکت. در تعریف عملیاتی، هریک از متغیرهای تحقیق طوری تعریف می شوند که بتوان آن ها را مورد اندازه گیری قرار داد. در این تحقیق، متغیر وابسته و متغیرهای مستقل به صورت زیر تعریف شده اند:

۳-۱- شاخص مربوط بودن اطلاعات

در این تحقیق شاخص مربوط بودن از طریق مدل زیر محاسبه می گردد:

گام اول) معادله اول:

$$cfo_{t+1} = \alpha_0 + \alpha_1 cfo_t + \alpha_2 E_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

در معادله ۱:

جریان نقدی عملیاتی سال بعد = cfo_{t+1}

جریان نقدی عملیاتی سال جاری = cfo_t

سود قبل از ارقام غیر مترقبه سال جاری = E_t

ε_t = خطای مدل

از طریق رگرسیون سری زمانی برای هر شرکت در هر سال معادله فوق تنظیم می شود و ضرایب a_0, a_1, a_2 بدست می آید. R^2 یا ضریب تعیین معادله فوق از طریق حل آن بدست می آید.

گام ۲) یکبار دیگر در معادله زیر:

معادله شماره ۲:

$$cfo_{t+1} = \beta_0 + \beta_1 cfo_t + \mu_t \quad (2)$$

μ_t = خطای مدل می باشد.

مقادیر β_0 و β_1 برای هر شرکت در هر سال و ضریب R^2 بر اساس معادله ۲

بدست می آید. در این جا باید توجه داشت که معادله ۲ همان معادله ۱ است، اما E در آن وجود ندارد. تفاوت R^2 معادله شماره یک و R^2 معادله شماره دو نشان دهنده شاخص مربوط بودن است.

شاخص مربوط بودن این تفاوت را نشان می دهد که سود (E) به چه میزان می تواند جریان نقدی سال آتی را بیان نماید. در واقع مربوط بودن سود حسابداری را به نمایش می گذارد. این روش اندازه گیری شاخص مربوط بودن در تحقیقات قبلی نظیر تحقیق هوانگ و جا (۲۰۰۹) استفاده شده است (هوانگ و جا، ۲۰۰۹: ۲۱ - ۲۲).

۲-۳- شاخص قابلیت اتکا اطلاعات

برای محاسبه این شاخص از مدل زیر استفاده می شود:

گام اول)

معادله شماره ۳:

$$E_{t+1} = a_0 + a_1 cfo_t + a_2 E_t + \tau_t \quad (3)$$

E_{t+1} = سود قبل از ارقام غیر مترقبه سال بعد

cfo_t = جریان نقدی عملیاتی سال جاری

E_t = سود سال جاری

τ_t = خطای مدل

از معادله فوق مقادیر a_0 ، a_1 ، a_2 و R^2 برای هر شرکت محاسبه می شود.

گام دوم (معادله شماره ۴):

$$E_{T+1} = b_0 + b_1 cfo_t + v_t \quad (4)$$

v_t همان خطای مدل است. ضرایب b_0 ، b_1 و همچنین R^2 برای هر شرکت بر اساس معادله شماره ۴ محاسبه می شود. تفاوت بین R^2 معادله شماره ۳ و ۴ همان شاخص قابلیت اتکا اطلاعات می باشد. این مقدار نشان می دهد که سود سال جاری چقدر می تواند در پیش بینی سود سال آتی تاثیر گذارد. در واقع قابلیت اتکا رقم سود را، در پیش بینی سود سال آتی را ارائه می نماید. این روش اندازه گیری شاخص قابلیت اتکا در تحقیقات قبلی نظیر تحقیق هوانگ و جا (۲۰۰۹) استفاده شده است (هوانگ و جا، ۲۰۰۹: ۲۱ - ۲۲).

۳-۳- شاخص محافظه کاری

در این تحقیق برای اندازه گیری شاخص محافظه کاری حسابداری از مدل گیولی و هین (۲۰۰۰) استفاده شده است. انگیزه انتخاب آن این بوده است که اطلاعات این مدل به راحتی در ایران در دسترس است و بیشتر تحقیقات انجام شده در خارج نیز از این

محافظه کاری حسابداری و موازنه میان قابلیت اتکاء و مربوط بودن سود حسابداری ۵۹

مدل استفاده نموده اند. شاخص محافظه کاری بر اساس مدل مزبور به صورت معادله ۵ محاسبه می شود:

(۵)

$$(۱-)* = \frac{\text{جریان نقدی حاصل از عملیات} - \text{هزینه استهلاک} + \text{سود خالص}}{\text{جمع دارایی ها در اول دوره}} = \text{شاخص محافظه کاری}$$

همچنین اندازه شرکت لگاریتم طبیعی جمع دارایی های هر شرکت در پایان هر سال می باشد و نسبت اهرمی نسبت بدهی به جمع دارایی ها برای هر شرکت در پایان هر سال است.

۳-۴- ابزار گردآوری داده ها و جامعه آماری

منبع جمع آوری داده های مورد نیاز این تحقیق، صورت های مالی شرکت ها بوده است. داده های مورد نیاز این پژوهش از طریق بانک های اطلاعاتی رایانه ای، مراجع به کتابخانه، بایگانی راکد و اداره نظارت و ارزیابی سازمان بورس اوراق بهادار تهران جمع آوری شده است. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار اکسل و پس از اصلاحات و طبقه بندی لازم بر اساس متغیر های مورد بررسی، وارد رایانه شده است. تجزیه و تحلیل نهایی به کمک نرم افزار SPSS انجام شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. این جامعه شامل شرکت هایی است که از شرایط زیر برخوردار باشند:

- شرکت هایی که از سال ۱۳۸۱ مورد پذیرش قرار گرفته باشند.
- شرکت سرمایه گذاری نباشد.
- شرکت هایی که پایان سال مالی آن ها ۲۹ اسفند ماه هر سال باشد.
- شرکت هایی که در دوره بررسی توقف معامله نداشته باشد.
- شرکت هایی که داده های آنها در دسترس باشند.

با توجه به مجموعه شرایط فوق، تنها ۱۰۳ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷ شرایط فوق را دارا بوده و بنابراین به عنوان جامعه آماری مورد بررسی انتخاب شدند.

۴- آزمون فرضیه ها

۴-۱- آزمون فرضیه های مرتبط با شاخص قابلیت اتکا

آزمون فرضیه اول

فرضیه اول به صورت زیر بیان می شود:

H_0 = بین شاخص محافظه کاری و شاخص قابلیت اتکا، رابطه ای معنی دار وجود ندارد.

H_1 = بین شاخص محافظه کاری و شاخص قابلیت اتکا، رابطه ای معنی دار وجود دارد.

در جدول شماره یک که از روش اینتر (به دست آمده است، مقدار سطح اهمیت (Sig.) شاخص قابلیت اتکا برابر صفر و کوچک تر از ۵ درصد است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین متغیر مستقل یعنی شاخص محافظه کاری و متغیر وابسته (شاخص قابلیت اتکا) رابطه معنی دار وجود دارد و فرضیه اول تایید می شود.

آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم به صورت زیر بیان می شود:

H_0 = بین شاخص مربوط بودن و شاخص قابلیت اتکا، رابطه ای معنی دار وجود ندارد.

H_1 = بین شاخص مربوط بودن و شاخص قابلیت اتکا، رابطه ای معنی دار وجود دارد.

در جدول شماره یک مقدار سطح اهمیت شاخص مربوط بودن برابر صفر و کوچک

محافظه کاری حسابداری و موازنه میان قابلیت اتکاء و مربوط بودن سود حسابداری ۶۱

تر از ۵ درصد است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین متغیر مستقل یعنی شاخص مربوط بودن و متغیر وابسته (شاخص قابلیت اتکا) رابطه معنی دار وجود دارد. بنابراین فرضیه دوم نیز تایید می شود.

زمون فرضیه سوم

فرضیه سوم به صورت زیر بیان می شود:

H_0 = بین اندازه شرکت و شاخص قابلیت اتکا، رابطه ای معنی دار وجود ندارد.

H_1 = بین اندازه شرکت و شاخص قابلیت اتکا، رابطه ای معنی دار وجود دارد.

در جدول شماره یک، مقدار سطح اهمیت شاخص اندازه شرکت برابر صفر و کوچک تر از ۵ درصد است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین متغیر مستقل یعنی شاخص اندازه شرکت و متغیر وابسته (شاخص قابلیت اتکا) رابطه معنی دار وجود دارد. بنابراین فرضیه سوم نیز تایید می شود.

آزمون فرضیه چهارم

فرضیه چهارم به صورت زیر بیان می شود:

H_0 = بین نسبت اهرمی و شاخص قابلیت اتکا، رابطه ای معنی دار وجود ندارد.

H_1 = بین نسبت اهرمی و شاخص قابلیت اتکا، رابطه ای معنی دار وجود دارد.

در جدول شماره ۱، مقدار سطح اهمیت نسبت اهرمی برابر صفر و کوچک تر از ۵ درصد است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین متغیر مستقل یعنی نسبت اهرمی و متغیر وابسته (شاخص قابلیت اتکا) رابطه معنی دار وجود دارد. بنابراین فرضیه چهارم نیز تایید می شود.

جدول ۱ - ضرایب مدل رگرسیون

آماره های هم خطی		سطح معنی داری	آماره T	ضرایب استاندارد شده	ضرایب غیر استاندارد شده		مدل
عامل تورم واریانس	تولرانس			بتا	خطای استاندارد	بتا	
۴/۶۴۶	۰/۱۷۷	۰/۰۰۰	۶/۵۰۹	۰/۴۳۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵۴۸۴	اندازه شرکت
۱/۱۶۶	۰/۸۵۷	۰/۰۳	۲/۱۷۵	۰/۰۶۵	۰/۰۱۵	۰/۰۳۱۵۷	شاخص محافظه کاری
۱/۶۴	۰/۶۱	۰/۰۰۰	-۹/۱۳۶	-۰/۳۲۶	۰/۰۰۳	-۰/۰۳۰۴۱	شاخص مربوط بودن
۴/۰۹۵	۰/۱۹۶	۰/۰۰۰	۵/۸۰۱	۰/۳۶۵	۰/۰۱۲	۰/۰۶۷۷۳	نسبت اهرمی

*منبع: یافته های پژوهشگر

**متغیر وابسته: شاخص قابلیت اتکا

۴-۲- مدل شاخص قابلیت اتکا برای کل نمونه آماری

در این قسمت با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه، آزمون مربوط به تدوین مدل شاخص قابلیت اتکا برای کل شرکت های نمونه آماری، انجام می شود. در بخش قبل با استفاده از روش تجزیه و تحلیل اینتر مشخص شد که شاخص محافظه کاری، شاخص مربوط بودن، اندازه شرکت و نسبت اهرم مالی با شاخص قابلیت اتکا رابطه معنی دار دارند و بر آن تاثیرگذار هستند.

جدول شماره ۱، ضرایب مربوط به هر یک از متغیرهای مستقل را مشخص نموده است.

بنابراین مدل شاخص قابلیت اتکا به صورت معادله ۶ از جدول فوق استخراج می گردد:

(۶)

$$\text{Cons} - 0.03041 \text{ Relevance} + 0.06773 \text{ Lev} + 0.005484 \text{ Size} + \varepsilon$$

$$\text{Reliability} = 0.03157$$

محافظه کاری حسابداری و موازنه میان قابلیت اتکاء و مربوط بودن سود حسابداری ۶۳

که در آن:

Reliability = شاخص قابلیت اتکا

Cons = شاخص محافظه کاری هر شرکت در هر سال

Relevance = شاخص مربوط بودن هر شرکت در هر سال

Lev = نسبت اهرمی عبارت است از نسبت بدهی بلند مدت به جمع دارایی هر شرکت در هر سال

Size = اندازه شرکت، عبارت است از لگاریتم طبیعی جمع دارایی هر شرکت در هر سال

ϵ = میزان خطای مدل

ضریب تعیین مدل رگرسیون (R^2) که نسبتی از واریانس بیان شده به کل واریانس را نشان می دهد با توجه به جدول شماره ۲ برابر ۴۳ درصد است.

جدول ۲ - خلاصه مدل

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای انحراف برآوردها	آماره های مربوط به تغییرات داده				
					تغییر ضریب تعیین	تغییر در آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معنی داری
۱	۰/۶۶۳	۰/۴۳۹	۰/۴۳۶	۰/۱۱۸۸۶۲	۰/۴۳۹	۱۴۱/۷۱۶	۴	۷۲۳	۰/۰۰۰

*منبع: یافته های پژوهشگر

مدل فوق نشان می دهد که شاخص قابلیت اتکا با محافظه کاری، اندازه شرکت و نسبت اهرمی رابطه ای مثبت (مستقیم) و با مربوط بودن رابطه ای منفی (معکوس) دارد. این موضوع مطابق تئوری حسابداری می باشد.

۴-۳- آنالیز واریانس

آنالیز واریانس توان خط رگرسیون برای بیان مقادیر مشاهده شده متغیر تابع را ارزیابی می نماید.

فرضیه های این آزمون به صورت زیر بیان می شود:

H_0 : رابطه خط رگرسیون میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل وجود ندارد.

H_1 : رابطه خط رگرسیون میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل وجود دارد.

نتایج این آزمون در جدول شماره ۳ آورده شده است. این جدول شامل آماره های مجموع مجذورات، درجه آزادی، آماره F و سطح معنی داری است. سطح معنی داری مدل برابر صفر و مقدار آماره F نیز رقم با اهمیتی را نشان می دهد. بنابراین رابطه خط رگرسیون میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل وجود دارد. بنابراین فرض H_0 رد می شود.

جدول ۳- آنالیز واریانس

سطح معنی داری	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
۰/۰۰۰	۱۴۱/۷۱۶	۲/۰۰۲	۴	۸/۰۰۹	رگرسیون
		۰/۰۱۴	۷۲۳	۱۰/۲۱۵	باقی مانده
			۷۲۷	۱۸/۲۲۳	جمع

*منبع: یافته های پژوهشگر

** پیش بینی کننده ها: نسبت اهرمی، محافظه کاری، مربوط بودن، اندازه شرکت.

*** متغیر وابسته: شاخص قابلیت اتکا.

۴-۴- آزمون فرضیه های مرتبط با شاخص مربوط بودن

آزمون فرضیه پنجم

فرضیه پنجم به صورت زیر بیان می شود:

محافظه کاری حسابداری و موازنه میان قابلیت اتکاء و مربوط بودن سود حسابداری ۶۵

H_0 = بین شاخص محافظه کاری و شاخص مربوط بودن، رابطه ای معنی دار وجود ندارد.

H_1 = بین شاخص محافظه کاری و شاخص مربوط بودن، رابطه ای معنی دار وجود دارد.

در جدول شماره ۴ که از روش اینتر به دست آمده است، مقدار سطح اهمیت شاخص مربوط بودن برابر صفر و کوچک تر از ۵ درصد است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین متغیر مستقل یعنی شاخص محافظه کاری و متغیر وابسته (شاخص مربوط بودن) رابطه معنی دار وجود دارد و فرضیه فوق تایید می شود.

آزمون فرضیه ششم

فرضیه ششم به صورت زیر بیان می شود:

H_0 = بین شاخص قابلیت اتکا و شاخص مربوط بودن، رابطه ای معنی دار وجود ندارد.

H_1 = بین شاخص قابلیت اتکا و شاخص مربوط بودن، رابطه ای معنی دار وجود دارد. در جدول شماره چهار، مقدار سطح اهمیت شاخص قابلیت اتکا برابر صفر و کوچک تر از ۵ درصد است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین متغیر مستقل یعنی شاخص قابلیت اتکا و متغیر وابسته (شاخص مربوط بودن) رابطه معنی دار وجود دارد. بنابراین فرضیه ششم نیز تایید می شود.

آزمون فرضیه هفتم

فرضیه هفتم به صورت زیر بیان می شود:

H_0 = بین اندازه شرکت و شاخص مربوط بودن، رابطه ای معنی دار وجود ندارد.

H_1 = بین اندازه شرکت و شاخص مربوط بودن، رابطه ای معنی دار وجود دارد. در جدول شماره ۴، مقدار سطح اهمیت شاخص اندازه شرکت برابر صفر و کوچک تر از ۵ درصد است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین متغیر مستقل یعنی شاخص اندازه شرکت و متغیر وابسته (شاخص مربوط بودن) رابطه معنی دار

وجود دارد. بنابراین فرضیه سوم نیز تایید می شود.

آزمون فرضیه هشتم

فرضیه هشتم به صورت زیر بیان می شود:

H_0 = بین نسبت اهرمی و شاخص مربوط بودن، رابطه ای معنی دار وجود ندارد.

H_1 = بین نسبت اهرمی و شاخص مربوط بودن، رابطه ای معنی دار وجود دارد.

در جدول شماره ۴، مقدار سطح اهمیت نسبت اهرمی برابر ۷۰ درصد و بیشتر از ۵ درصد است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین متغیر مستقل یعنی نسبت اهرمی و متغیر وابسته (شاخص مربوط بودن) رابطه معنی دار وجود ندارد. بنابراین فرضیه هشتم تایید نمی شود.

جدول ۴- ضرایب مدل رگرسیون

آماره های هم خطی		سطح معنی داری	آماره T	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		مدل
					خطای استاندارد	بتا	
عامل تورم واریانس	تلورانس			بتا	خطای استاندارد	بتا	
۴/۱۳۲	۰/۱۹۵	۰/۰۰۰	۱۰/۹۱۰	۰/۶۸۰	۰/۰۰۸	۰/۰۹۲۶۷	اندازه شرکت
۱/۰۶۷	۰/۹۳۷	۰/۰۰۰	-۸/۵۲۰	-۰/۲۴۲	۰/۱۴۷	-۱/۲۵۱	محافظه کاری
۴/۳۳۱	۰/۱۸۸	۰/۷۰۳	۰/۳۸۲	۰/۰۲۴	۰/۱۲۶	۰/۴۸۲۱	نسبت اهرمی
۱/۵۹۹	۰/۶۲۵	۰/۰۰۰	-۹/۱۳۶	-۰/۳۱۸	۰/۳۷۲	-۳/۴۰۱	قابلیت اتکا

* منبع: یافته های پژوهشگر

** متغیر وابسته: مربوط بودن

۴-۵- مدل شاخص مربوط بودن برای كل نمونه آماری

در این قسمت با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه، آزمون مربوط به تدوین مدل شاخص مربوط بودن برای كل شرکت های نمونه آماری، انجام می شود. در بخش قبل با استفاده از روش تجزیه و تحلیل ایتر مشخص شد که شاخص محافظه کاری، شاخص قابلیت اتكاء مربوط بودن و اندازه شرکت با شاخص مربوط بودن رابطه معنی دار دارند و بر آن تاثیرگذار هستند.

جدول شماره ۴، ضرایب مربوط به هریک از متغیرهای مستقل را مشخص نموده است. بنابراین مدل شاخص مربوط بودن به صورت معادله ۷ از جدول ۴ استخراج می گردد:

(۷)

$$\text{Relevance} = -۱/۲۵۱ \text{ Cons} - ۳/۴۰۱ \text{ Reliability} - ۰/۰۹۲۶۷ \text{ Size} + \varepsilon$$

که در آن:

Relevance = شاخص مربوط بودن

Cons = شاخص محافظه کاری هر شرکت در هر سال

Reliability = شاخص قابلیت اتكاء

Size = اندازه شرکت، عبارت است از لگاریتم طبیعی جمع دارایی هر شرکت در

هر سال

ε = میزان خطای مدل

ضریب تعیین مدل رگرسیون که نسبتی از واریانس بیان شده به كل واریانس را

نشان می دهد با توجه به جدول شماره ۵ برابر ۴۵ درصد است.

جدول ۵ - خلاصه مدل

آماره های مربوط به تغییرات داده ها					خطای انحراف برآورد	ضریب تعیین شده	ضریب تعیین شده	ضریب همبستگی	مدل
تغییر در سطح معنی داری	درجه آزادی دو	درجه آزادی یک	تغییر در آماره F	تغییر ضریب تعیین					
۰/۰۰۰	۷۲۳	۴	۱۴۹/۹۹۰	۰/۴۵۳	۱/۲۵۶۷۰۸	۰/۴۵۰	۰/۴۵۳	۰/۶۷۳	۱

*منبع: یافته های پژوهشگر

مدل فوق نشان می دهد که شاخص مربوط بودن با محافظه کاری و قابلیت اتکا رابطه ای منفی (معکوس) دارد و با اندازه شرکت رابطه ای مثبت (مستقیم) دارد. این موضوع مطابق تئوری حسابداری می باشد.

۴-۶- آنالیز واریانس

آنالیز واریانس توان خط رگرسیون برای بیان مقادیر مشاهده شده متغیر تابع را ارزیابی می نماید.

فرضیه های این آزمون به صورت زیر بیان می شود:

H_0 : رابطه خط رگرسیون میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل وجود ندارد.

H_1 : رابطه خط رگرسیون میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل وجود دارد.

نتایج این آزمون در جدول شماره ۶ آورده شده است. این جدول شامل آماره های مجموع مجذورات، درجه آزادی، آماره F و سطح معنی داری است. سطح معنی داری مدل برابر صفر و مقدار آماره F نیز رقم با اهمیتی را نشان می دهد. بنابراین رابطه خط رگرسیون میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل وجود دارد. بنابراین فرض H_0 رد می شود.

جدول ۶ - آنالیز واریانس

سطح معنی داری	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
۰/۰۰۰	۱۴۹/۹۹۰	۲۳۶/۸۸۲	۴	۹۴۷/۵۲۸	۱ رگرسیون
		۱/۵۷۹	۷۲۳	۱۱۴۱/۸۴۵	باقی مانده
			۷۲۷	۲۰۸۹/۳۷۳	جمع

*منبع: یافته های پژوهشگر

**متغیر وابسته: مربوط بودن

۴-۷- هم حرکتی میان متغیرهای مستقل مدل

معمولاً هم حرکتی و یا هم خطی میان متغیرهای مستقل وجود دارد. اما اگر این هم خطی زیاد باشد، مدل مناسب نخواهد بود. یکی از روش های آزمون هم خطی محاسبه ماتریس همبستگی است. در این ماتریس ضریب همبستگی بین هر زوج از متغیرهای مستقل محاسبه می شود. عدم همبستگی متغیرهای مستقل به معنای این است که ضریب همبستگی بین هر زوج از متغیرهای مستقل مساوی صفر است. اما در عمل بدست آوردن ضریب همبستگی صفر ممکن نیست و به عنوان یک قاعده می توان ضرایب همبستگی کمتر از ۵۰ درصد بین هر زوج متغیرهای مستقل را قابل قبول دانست و نگران وجود هم خطی نبود. در این تحقیق چون تمام ضرایب برآورد شده معنی دار و تفکیک پذیر هستند، بیانگر این موضوع است که هم حرکتی میان متغیرها شدید نیست. میزان نوسانات هم خطی میان متغیرهای مستقل مدل در جدول شماره ۷ آورده شده است. این جدول نشان می دهد که هر زوج از متغیرهای مستقل دارای هم خطی حاد نیستند.

جدول ۷- همبستگی میان متغیرها

محافظة کاری	نسبت اهرمی	قابلیت اتکا	اندازه شرکت	مربوط بودن	مدل
-۰/۳۳۹ ۰/۰۰۰ ۷۲۷	-۰/۱۲۷ ۰/۰۰۱ ۷۲۷	۰/۳۷۰ ۰/۰۰۰ ۷۲۷	-۰/۲۹۹ ۰/۰۰۰ ۷۲۷	۱ ۰ ۷۲۷	مربوط بودن ضریب همبستگی پیرسون سطح معنی داری تعداد مشاهدات
۰/۱۰۸ ۰/۰۰۳ ۷۲۷	-۰/۰۱۸ ۰/۶۳۴ ۷۲۷	-۰/۲۹۶ ۰/۰۰۰ ۷۲۷	۱ ۰ ۷۲۷		اندازه شرکت ضریب همبستگی پیرسون سطح معنی داری تعداد مشاهدات
۰/۱۷۸ ۰/۰۰۰ ۷۲۷	۰/۲۵۶ ۰/۰۰۰ ۷۲۷	۱ ۰ ۷۲۷			قابلیت اتکا ضریب همبستگی پیرسون سطح معنی داری تعداد مشاهدات
-۰/۰۵۳ ۰/۱۵۴ ۷۲۷	۱ ۰ ۷۲۷				نسبت اهرمی ضریب همبستگی پیرسون سطح معنی داری تعداد مشاهدات
۱ ۰ ۷۲۷					محافظة کاری ضریب همبستگی پیرسون سطح معنی داری تعداد مشاهدات

*منبع: یافته های پژوهشگر

همچنین با توجه به جداول شماره ۸ و ۹ زیر مقدار آماره شاخص وضعیت برای متغیرهای مستقل هر دو مدل قابلیت اتکا و مدل مربوط بودن کمتر از ۵ می باشد. بنابراین متغیرهای هر دو مدل دارای خود همبستگی شدید نمی باشند.

1. Condition Index

محافظة كاري حسابداري و موازنه ميان قابليت اتكاء و مربوط بودن سود حسابداري ٧١

جدول ٨- هم خطي ميان متغير هاي مستقل

نسبت واريانس				شاخص وضعيته	مقادير ويژه	متغيرهاي مدل
نسبت اهرمي	مربوط بودن	محافظة كاري	اندازه شركت			
٠/٠٣	٠/٠٦	٠/٠٢	٠/٠٣	١	٢/٤٠٠	١
٠/٠٢	٠/٠٤	٠/٦٤	٠/٠٢	١/٥٤٢	١/٠٠٩	٢
٠/٠٥	٠/٠٨٣	٠/٠٣٢	٠/٠١	٢/٢٠٩	٠/٤٩٢	٣
٠/٩١	٠/٠٦	٠/٠٢	٠/٠٩٥	٤/٩٢٥	-٠/٠٩٨٩٣	٤

*منبع: يافته هاي پژوهشگر

**متغير وابسته: قابليت اتكاء

جدول ٩- هم خطي ميان متغير هاي مستقل

نسبت واريانس				شاخص وضعيته	مقادير ويژه	متغيرهاي مدل
قابليت اتكاء	نسبت اهرمي	محافظة كاري	اندازه شركت			
٠/٠٦	٠/٠٣	٠/٠٠٠	٠/٠٣	١	٢/٣٩١	١
٠/٠٦	٠/٠٠	٠/٨١	٠/٠٠	١/٥١٩	١/٠٣٦	٢
٠/٨٧	٠/٠٤	٠/١٨	٠/٠٦	٢/٢٥٧	٠/٤٦٩	٣
٠/٠٠	٠/٩٣	٠/٠٠	٠/٠٩١	٤/٧٩٤	٠/١٠٤	٤

*منبع: يافته هاي پژوهشگر

**متغير وابسته: مربوط بودن

٨-٤- آماره هاي توصيفي تحقيق

در جدول شماره ١٠، آماره هاي توصيفي تحقيق براي متغير وابسته و متغيرهاي مستقل تحقيق آورده شده است. ميانگين شاخص قابليت اتكاء برابر ٠/٠٨٥ و پيشينه و

۷۲ پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی

کمینه آن به ترتیب برابر ۰/۶۱۴ و ۰/۳۰۹- است. همچنین میانگین شاخص مربوط بودن برابر ۰/۹۹۵ و پیشینه و کمینه آن به ترتیب برابر ۲۱/۳۸۷ و ۰/۱۴ می باشد. برای شاخص محافظه کاری نیز میانگین، پیشینه و کمینه آن به ترتیب برابر ۰/۴۸۷۳-، ۳/۸۳۴ و ۱/۸۱۰- می باشد.

جدول ۱۰- آماره های توصیفی

مدل	تعداد مشاهدات		حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	
	آماره	آماره	آماره	آماره	آماره	آماره	آماره	خطای استاندارد	آماره
شاخص مربوط بودن	۷۲۷	۰/۰۱۴	۲۱/۳۸۷	۰/۹۹۵۰۱	۱/۳۷۳۵۰۵	۱/۸۸۷	۹/۳۶۴	۰/۰۹۱	
اندازه شرکت	۷۲۷	۸/۱۹	۱۸/۰۶	۱۲/۳۴۰۳	۱/۵۰۴۷۳	۲/۲۶۴	۰/۵۷۷	۰/۰۹۱	
نسبت اهرمی	۷۲۷	۰/۰۰۰	۲/۲۴۵	۰/۷۶۹۵۸	۰/۳۶۶۵۱۷	۰/۱۳۴	۰/۵۳۶	۰/۰۹۱	
شاخص قابلیت اتکاء	۷۲۷	-۰/۳۰۹	۰/۶۱۴	۰/۰۸۵۵۸۰	۰/۱۳۳۱۵۱	۰/۰۱۸	۱/۰۷۲	۰/۰۹۱	
شاخص محافظه کاری	۷۲۷	-۱/۸۱۰	۳/۸۳۴	-۰/۰۴۸۷۳	-۰/۳۲۴۵۲۹	۰/۱۰۵	۵/۶۸۵	۰/۰۹۱	
تعداد مشاهدات معتبر	۷۲۷								

*منبع: یافته های پژوهشگر

۵- خلاصه و نتیجه گیری

هدف تحقیق حاضر آن است که بررسی نماید تا چه اندازه محافظه کاری حسابداری بر شاخص های مربوط بودن و قابلیت اتکا اطلاعات حسابداری اثرگذار است. برای این منظور براساس پیشینه تحقیق، فرضیه های تحقیق تدوین و با استفاده از روش همبستگی و رگرسیون چند متغیره، فرضیه های مذکور مورد آزمون قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می دهد، محافظه کاری حسابداری رابطه ای مستقیم با قابلیت اتکا و رابطه ای معکوس با مربوط بودن دارد. به عبارت دیگر هرچه درجه محافظه کاری افزایش یابد، اطلاعات قابلیت اتکای بیشتری خواهند داشت و در مقابل موجب کاهش مربوط بودن آن ها می شود. از این رو محافظه کاری نمی تواند میان مربوط بودن و قابلیت اتکای اطلاعات تعادل ایجاد نماید.

۶- محدودیت های تحقیق

این پژوهش همانند سایر تحقیقات با محدودیت هایی روبرو بوده است. در ادامه آن محدودیت ها فهرست می شوند:

- در محاسبه اقلام تعهدی عملیاتی منعکس در صورت های مالی شرکت ها، این امکان وجود دارد که اقلام غیر عملیاتی نیز در آن وجود داشته باشد، که تفکیک آن برای محقق امکان پذیر نبوده است.
- امکان اندازه گیری اثرات برخی از عوامل نظیر عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که مسلماً بر شاخص محافظه کاری حسابداری اثر گذار هستند، برای محقق امکان پذیر نبوده است.

۷- پیشنهادات برای تحقیقات آتی

- اثر برخی از متغیر های اقتصادی نظیر ریسک، و همچنین متغیر های کیفی نظیر

ارزش های فرهنگی و اخلاقی که مسلماً بر محافظه کاری تاثیرگذار هستند، در این تحقیق در نظر گرفته نشده است. پیشنهاد می شود در تحقیقات آتی موارد مذکور مد نظر قرار گیرد.

- رابطه میان هموارسازی سود و محافظه کاری حسابداری بررسی شود.
- بررسی این که آیا تغییرات قوانین مثلاً قانون تجارت و یا قانون مالیات موجب تغییر در استفاده از رویه های محافظه کارانه حسابداری می شود یا خیر؟
- پیامدهای اقتصادی استانداردهای حسابداری محافظه کارانه مورد بررسی قرار گیرد.
- تغییرات استانداردهای حسابداری بر محافظه کاری حسابداری مورد بررسی قرار گیرد.
- رابطه بین پاداش اعضای هیئت مدیره با محافظه کاری حسابداری بررسی شود.

Archive of SID

منابع

ادهم، ذاکر، (۱۳۸۶)، "رابطه بین محافظه کاری حسابداری، بازده سهام و کیفیت سود"، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

بنی مهد، بهمن، (۱۳۸۵)، "تبیین و ارائه الگو برای اندازه گیری محافظه کاری حسابداری"، رساله دکتری رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

رضا زاده، جواد و عبدالله آزاد، (۱۳۸۷)، "رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری در گزارشگری مالی"، فصل نامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۴، ۸۰-۶۳.

کردستانی و امیر بیگی، (۱۳۸۷)، "محافظه کاری در گزارشگری مالی: بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه کاری"، فصل نامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۲، ۱۰۶-۸۹.

کمیته تدوین استاندارد های حسابداری، (۱۳۸۷)، "استانداردهای حسابداری"، نشریه شماره ۱۶۰، انتشارات سازمان حسابرسی، ۶۷۹-۶۸۰.

Ahmed, A. S., Billings, B. K., Morton, R. M., (2002), and Stanford-Harris, M. "The Role of Accounting Conservatism in Mitigating Bondholder-Shareholder Conflicts Over Dividend Policy and in Reducing Debt Costs", *The Accounting Review*, 77(4), 867-890.

Ahmed, A. S., Scott Duellman, (2008), "Evidence on the Role of Accounting conservatism in Monitoring Managers' Investment" AAA Financial Accounting and Reporting Section. Available at: www.ssrn.com.

Ball, R., Kotari, S.P. and A.Robin, (2000), "The Effect of International Institutional Factors on Properties of Accounting Earnings", *Journal of Accounting and Economics*, No.29, 1-51.

Basu, S. (1997), "The Conservatism Principle and The Asymmetric Timeliness Earnings", *Journal of Accounting & Economics*, No.24, 3-37.

Beaty Anne, Wber Joseph, Jiewei Yu Jeff (2008), "Conservatism and Debt", Available at: www.ssrn.com.

Feltham, G. and Ohlson, J. A., (1995), "Valuation and Clean Surplus Accounting for Operating and Financial Activities",

Contemporary Accounting Research, 11(2), 689–731.

García Lara, J. M. and Mora, A. (2004), "Balance Sheet Versus Earnings Conservatism in Europe", *European Accounting Review*, 13(2), 261-292.

García Lara, Beatriz G. Osma, Fernando Penalva (2006), "Cost of Equity and Accounting Conservatism", IESE Business School, University of Navarra.

Givoly, D., C. K. Hayn, and A. Natarajan. (2007), "Measuring Reporting Conservatism", *The Accounting Review* 82 (1), 65-106.

Givoly, D. and Hayn, C. (2000), "The Changing Time-Series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become More Conservative?", *Journal of Accounting and Economics*, 29(3), 287-320.

Huang chee - Alen and Jha Rajini, (2009), "Accounting Conservatism and the Tradeoff between Relevance and Reliability of Current Earnings".

LaFond, W., and R. L. Watts. (2008), "The information role of conservatism" *The Accounting Review* Vol. 83 Issue 2, 447-478.

Nikolaev, V, (2008), "Debt Covenants and Accounting Conservatism: Complements or Substitutes?", Available at: www.ssrn.com.

Penman, S. H. and Zhang, X. J. (2002), "Accounting Conservatism, Quality of Earnings, and Stock Returns", *The Accounting Review*, 77(2), 237-264.

Qiang, X., (2007), "The Effects of Contracting, Litigation, Regulation, and Tax Costs on Conditional and Unconditional Conservatism: Cross-Sectional Evidence at the Firm Level", *Accounting Review* 82, 759-796.

Ryan, S. (2006), "Identifying Conditional Conservatism", *European Accounting Review* 15 (4), 511-525.

Watts Ross & Zimmerman Jerold, (1978), "Towards a Positive Theory of the Determinants of Accounting Standards", *The Accounting Review*, Vol LIII, No 1.

Watts, R. L., (2003), "Conservatism in Accounting, Part I: Explanations and Implications", *Accounting Horizons*, 17(3), 207-221.